



علیرضا بدیع از جذابیت‌های نیشابور برای سفر می‌گوید

## حال و هوای بهار در شهر فیروزه

شاعرها نگاهی ویژه به طبیعت و نو شدن آن دارند و این نگاه در آثارشان نمود پیدا می‌کند. شاعرها بهار را طور دیگری می‌بینند و طور دیگری زندگی می‌کنند. علیرضا بدیع یکی از همین شاعرهاست که ۳۳ سال دارد و تا ۲۶ سالگی در نیشابور زندگی کرده است. این شاعر جوان چند سالی است که در محافل ادبی و بین دوستداران شعر و ادبیات شناخته شده، اما اوج شهرت و محبوبیت برای بدیع، زمانی اتفاق افتاد که قطعه «ماه و ماهی» با ترانه‌ای از او و صدای همشهری‌اش حجت اشرف‌زاده حساسی گل کرد و با استقبال ویژه‌ای روبه‌رو شد. با این شاعر نیشابوری درباره حال و هوای زادگاهش در نوروز و مکان‌های دیدنی این شهر صحبت کرده‌ایم.

### شاعر طبیعت‌گرد

علیرضا بدیع می‌گوید: «طبیعت برایم خیلی مهم است و شاید اگر در یک شهر کوچکی به دنیا می‌آمدم، نمی‌توانستم تا این حد در شعر پر و بال بگیرم. احساس می‌کنم طبیعت نیشابور که خیلی با درخت و سرسبزی و بوژان و باغ‌رو مزیّن شده، در روحیه لطیف و حساس من تاثیرگذار بوده است. کلا خیلی به طبیعت و حیوانات علاقه دارم و تا زمانی که در نیشابور بودم، هفته‌ای یکی دو بار تنها یا با دوستانم کوله‌ای برمی‌داشتیم و به دل طبیعت می‌رفتم. این مسأله به نوجوانی و جوانی‌ام محدود نمی‌شود و از کودکی روزهایی را یادم می‌آید که با اتوبوس یا مینی‌بوس به دامن طبیعت و صحرا می‌رفتم. این اتفاق بارها افتاده و من خاطرات زیادی از آن دارم. چادر می‌بردم و در دامنه‌های بینالود دو هفته می‌ماندیم! مادرم و بقیه زنان فامیل دیگ‌های بزرگ برپا می‌کردند و بوی برنج دم‌کرده‌شان هنوز در مشامم هست. ما بچه‌ها به بازی و جست و خیز مشغول می‌شدیم، مردها به تفریحات مردانه در کوه مانند شکار مجاز می‌پرداختند و خانم‌ها هم درگیر آشپزی و صحبت کردن بودند.» میزان این طبیعت‌گردی‌ها به قدری بالا بوده که بدیع می‌گوید: اولین دندانم در کوه درآمد. مادرم می‌گفت «یک بار که در طبیعت چادر زده بودیم، صبح بیدار شدم و دیدم یکی از دندان‌هایم درآمده است.» حالا هم هر وقت به نیشابور می‌روم، اولین کاری که می‌کنم این است که کنار چشمه یا زیر درختی بنشینم و روحم را صیقل دهم.



### اندر محاسن علی‌الصباح نیشابور

این شاعر جوان می‌افزاید: نیشابور شهری توریستی است و به دلیل داشتن جاذبه‌های گردشگری مانند آرامگاه خیام، آرامگاه عطار، قدمگاه و... در روزهای نوروز شلوغ می‌شود و این شلوغی از یک هفته مانده به اسفند خودش را نشان می‌دهد. از ورودی شهر تعدادی چادر می‌بینید که آقایان و خانم‌های خوش‌رویی با لباس‌های یک‌شکل از مهمانان پذیرایی می‌کنند و راهنمای آنان هستند. شهرداری هم هر سال خوش‌ذوقی به خرج می‌دهد و وسط بلوارهای شهر را پر از گل و سبزه می‌کند. آثار تجسمی مرتبط با نوروز نیز هر سال در فضای شهری نصب می‌شود و آلمان‌های نوروزی، حال و هوای خاصی به شهر می‌دهد. حضور مهمانان از شهرهای مختلف با پلاک‌های ماشین مختلف که هر کدام لهجه شیرین خودشان را دارند، کنار چادرهای مسافرتی همراه با قابلمه غذا و بازی بچه‌ها در گوشه‌گوشه شهر دیده می‌شود. فضای بسیار بانشاطی است و حتما توصیه می‌کنم آن را تجربه کنید. بدیع ادامه می‌دهد: بیشتر مردم به محض فرارسیدن تعطیلات راهی شمال می‌شوند، در حالی که هنوز خیلی جاها کمتر دیده شده است. به جز نیشابور، من ابیانه، کیهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری و چابهار را هم برای سفر نوروزی پیشنهاد می‌کنم و مطمئنم پشیمان نمی‌شوید. در نوروز حتما به نیشابور سر بزنید. نیشابور شهری است که وقتی مردمانش پلک می‌زنند، فیروزه و الماس در آسمان‌ها پخش می‌شود. حیف است کسی ایرانی باشد و صبح نیشابور را با آن زیبایی‌اش نبیند. از قدیم گفته‌اند دو چیز مرد سفر را کند ز غم آزاد/ علی‌الصباح نیشابور و خفتن بغداد. طبق گفته آقای شاعر، نیشابور به خاطر دامنه‌های بینالود و آبشارهای پرشمارش از معدود مناطق سرسبز خراسان بزرگ است و سبزه‌وار، تربته‌ها، کاشمر و... به سبزی نیشابور نیستند؛ جاهایی در شمال نیشابور به نام بوژان و باغ‌رو هست که درختان سر به هم آورده مانع رسیدن نور خورشید به زمین می‌شود، در نتیجه نور آن همیشه مثل عصر است.

### از فیروزه تا آلو!

بدیع می‌گوید: خیلی از شهرها مانند اصفهان، یزد، تبریز و... سوغاتی‌های خوردنی زیادی دارد. نیشابور هم تعدادی سوغاتی خوردنی دارد، مثلا شربت ریواس که از ریواس‌های یک متری معروف دامنه‌های بینالود به دست می‌آید. اما سوغات اصلی نیشابور، فیروزه است. سنگ بسیار ارزشمند و دیدنی که باعث جلای چشم و صفای باطن می‌شود و در دنیا بی‌نظیر است. زعفران هم دیگر سوغات نیشابور محسوب می‌شود. روستایی به نام خرو در نزدیکی نیشابور هست که

به آن ماسوله خراسان می‌گویند. تابستان‌ها در پشت‌بام‌های پلکانی این روستا آلو خشک می‌کنند و لب جاده به مسافران می‌فروشند. این آلوئی مخصوص نیز از سوغات‌های قابل توصیه نیشابور است. سوغات دیگر نیشابور همان شکرپنیر معروف است که البته ما به آن نقل می‌گوییم. سوغات دیگری که بدیع توصیه می‌کند، یک سوغات فرهنگی است: دیوان خیام دیگر سوغات نیشابور است که کسانی که به آرامگاه خیام می‌روند، می‌توانند از کتابسرای که آنجا هست کتاب‌های نفیس خیام را تهیه کنند.

آرامگاه خیام و عطار در نوروز چه ویژگی‌هایی دارند؟

### انجمن شاعران مرده



علیرضا بدیع معتقد است آرامگاه‌های خیام و عطار نیشابوری در ایام نوروز حال و هوای بی‌نظیری دارند: آرامگاه خیام به دلیل مجاورت با امامزاده محروق فضای خاص خودش را دارد، حزن مخصوصی که همراه با شادی است و می‌توان نام آن را غمشادی گذاشت. شاعر جوان می‌گوید: وقتی وارد آرامگاه شوید، اولین چیزی که می‌شنوید رباعیات خیام با صدای محمدرضا شجریان، آهنگسازی فریدون شهبازیان و دکلمه احمد شاملوست. محال است

وارد آرامگاه شوید و این موسیقی طنین‌انداز نباشد. آنجا یک چایخانه وجود دارد که توصیه می‌کنم حتما چای زعفران آن را امتحان کنید. خوشمزه‌ترین چایی است که من در زندگی‌ام خورده‌ام. حالی که در این آرامگاه به آدم دست می‌دهد، در هیچ جای دیگری قابل تکرار نیست.

همچنین بدیع آرامگاه عطار را به دلیل تصوف و عرفان این شخصیت و شکل بقعه، دارای حس عرفانی و درونی خاصی می‌داند: شما این حس را از لحظه ورود به آرامگاه لمس می‌کنید. داخل مقبره عطار، کمال‌الملک نقاش مشهور دفن شده است و بیرون مقبره، آرامگاه مشاهیر قرار دارد. پرویز مشکاتیان نوازنده بزرگ سنتور و آهنگساز، فریدون گرائیلی مورخ و شاعر و پهلوان یعقوبعلی شورورزی، مربی جهان‌پهلوان تختی برخی از چهره‌های دفن شده در این آرامگاه هستند. علیرضا بدیع می‌گوید: شهر قدیم نیشابور هم که کنار آرامگاه عطار قرار گرفته، از زمان حمله مغول به جای مانده است. حدود هزارمترمربع از این شهر خاکبرداری شده و اسکلت‌های اجداد ما آنجا قابل مشاهده است که گردشگران می‌توانند از این طریق سفری به دل تاریخ داشته باشند.